

تصمیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز برابر ام

در مورد حکم سقوط دعوی اعتراض بر ثبت که معترض شماره پلاک مذکور در اعتراض را اشتباهی ذکر کرده است

اعتراض واقع و نسبت به قطعاتی که مورد دعوی بوده اعتراضی در موقع قانونی بعمل نیامده است و در عین حال مورد مطالبه مدعیان در این پرونده قطعاتی میباشد که به ثبت رسیده است بامقدمه فوق ورود در ماهیت دعوی و رسیدگی بمستندات طرفین موضوعی نداشته و بحث وکیل مستأفین در طرف اسناد مالکیت و اینکه چون اسناد مزبوره صحیحاً صادر نگردیده قابل اعتبار نیست نیز از نظر ماده ۲۲ و ۲۴ قانون ثبت اسناد بیفایده است و بالاخره اینکه مورد ادعای مدعیان بهر تقدیر طبق اوراق مالکیت سابق الذکر به ثبت رسیده و شماره های مندرجه در آن هم با پلاکهای قسمت مشترکی مطابقت دارد دعوی مستأفین قابل رسیدگی نبوده و قرار اسقاط دعوی آنان صادر و اعلام میشود -)
محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۱۷۸۱۴۱۶۷ تا تاریخ ۲۹/۹/۱۶۹۹ چنین رأی داده است:

(ملخص اعتراضی که از طرف مستدعی تمیز برقرار استینافی شده این است که) صدور سند مالکیت که مورد استناد محکمه بوده از این نقطه نظر که از طرف مستدعی تمیز نسبت به رقبات مورد دعوی تقاضای ثبت مستدعی علیه در موقع اعتراض بعمل آمده نهایتاً ذکر شمارهها اشتباهی بوده مخالف قانون است و مشمول ماده (۲۲) از قانون ثبت نمیشود چه با تحقق اعتراض در موقع اشتغال محاکم برسیدگی ماهیتی مادام که تکلیف اعتراض معین نشده باشد صدور سند مالکیت بر خلاف ماده مزبوره و سایر مواد مربوطه با اعتراض به ثبت است) و این اعتراض با تشخیصی که محکمه نموده و قطعات مورد دعوی را مورد اعتراض

طبق ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد - همینکه ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسیده دولت فقط کسی را که ملک با اسم او ثبت شده ... مالک خواهند شناخت طبق ماده ۲۴ قانون نام برده - پس از انقضای مدت اعتراض بهیچ عنوانی دعوی اینکه در ضمن جریان ثبت تضمین حقی از کسی شده پذیرفته نخواهد شد
چند نفر بعنوان اعتراض بر ثبت قطعات ملکی به پلاکهای معین اعتراض کرده اند - محکمه بدایت مدعیان را محکوم به بطلان دعوی نموده و محکمه استیناف پس از رسیدگی حکم بدوی را از جهتی که محکمه استدلال کرده بوده فسخ کرده و چنین رأی داده است (قطع نظر از جهات ماهوی دعوی از لحاظ مقررات ثبتی که مورد توجه محکمه است نظر باینکه از مجموع اظهارات وکیل مستانف علیه و لوائح تقدیمیه طرفین در ابتدائی و استیناف و اقراریه طرفین وکیل مستأفین و اعلانات ثبتی مندرجه در روزنامه چنین استفاده میشود که مستانف علیه در قریبه دو قسمت ملک داشته قسمتی اتیاعی (بعنوان مشترك) و قسمتی اتیاعی (به عنوان مختص) که هر کدام دارای پلاکهای معینی بوده است که قسمت اول از پلاک شماره ۱۴۹۱ ر ۲ شروع و بیلاک شماره ۲۱۳۱۳ ختم شده و ثانی که از پلاک شماره ۲۱۴ شروع و بیلاک شماره ۲۱۳۶۵ ختم گردیده است و مدعیان در حالی که بقسمت اولی اعتراض داشته اشتباهاً با پلاکهای قسمت ثانی اعتراض نموده اند و از این لحاظ جریان ثبتی قسمت مورد دعوی در اداره ثبت بلا معارض تلقی و منتهی به ثبت ملک و صدور اسناد مالکیت گردیده است و به عبارت اخیری قطعاتی که مورد دعوی نبوده مورد

که قانوناً موجب نقض باشد بنظر نمیرسد لذا حکم مورد استدعا بانفاق آراء مبرم است)

ندانسته و سند مالکیت را نسبت بآنها صحیح و بلا معارض دانسته و قطعات مورد اعتراض را مورد دعوی قرار نداده وارد نمیشد و چون رأی محکمه موجه و در رسیدگی خللی

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد تبرئه قاتل از لحاظ دفاع از ناموس

از اطاق خارج شده و با مقتول در آویخته و خنجرى که مقتول در دست داشته و بمتهم حمله کرده بوده متهم از دست او خارج و با همان خنجر بمقتول زده است که منتهی بفوت او شده است نظر باینکه رابطه زوجیت بین متهم و زن بر حسب تحقیقات مقدماتی مسلم است و اینکه مقتول بشرح فوق الاشعار به مشار الیهها کلایز شده بوده و او را بطرف کاهدان جهت عمل شنیع میکشیده که در بین متهم رسیده و مرتکب قتل او شده و ملاحظه اینکه محل واقعه از حیث کیفیت عمل مقتول در حکم فراش بوده علیهذا شوهر بحکم ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی معاف از مجازات است مدعی العموم استیناف تمیز خواسته - شعبه دوم دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۶۶۴ ر ۹۵۷۵ بتاريخ ۲۸ ر ۹۲۸ چنین رای داده است

« اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم مورد درخواست تمیز خلاصه آنکه » با در نظر گرفتن محل وقوع قضیه عمل متهم قابل انطباق با ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی نمیشد و لذا نمیتوان متهم را بموجب ماده مزبور معاف از مجازات دانست وارد نیست زیرا محکمه حاکمه کیفیت و محل وقوع قضیه را بنحوی تشخیص داده که بمنزله بودن در يك فراش محسوب و با ملاحظه خصوصیات موجوده در قضیه عمل متهم قابل انطباق با ماده استنادیه میباشد و اصولاً هم نظر محکمه از این جهت قابل اعتراض در مرحله تمیزی نخواهد بود و چون اشکال مؤثر و موجب نقض بنظر نمیرسد حکم مورد درخواست ابرام میشود»

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد تبرئه متهم بفراهم کردن وسائل سقط حمل

جراحی یا قابلیگی یادوا فروشی وسائل سقط حمل را فراهم آوردند از سه تا ده سال به حبس با اعمال شاقه محکوم می

طبق ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی - هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در يك فراش یا درحالی که بمنزله وجود در يك فراش است مشاهده کند مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است کسی بانها قتل عمدی مورد تعقیب پار که بدایت واقع و در محکمه جنائی رسیدگی و باستناد ماده ۱۷۰ با رعایت تخفیف به شش سال حبس با اعمال شاقه محکوم می شود - محکوم علیه تمیز خواسته دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در ۱۳ ر ۱۰ ر ۱۵ حکم مورد استدعا را « از جهة اینکه با فرض تحقق زوجیت بین زن و متهم چنانکه خود او مدعی است و با فرض اینکه کیفیت تعرض مقتول به آن زن در حکم یافت شدن در يك فراش محسوب شود و مشمول ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی باشد استناد محکمه حاکمه در دفاع متهم به فرار مقتول و تعقیب متهم او را مخدوش و تحقیق در فرض مذکور مشمول ماده مزبور و موجب معافیت متهم از مجازات خواهد بود و محکمه حاکمه بدون تحقیق و رسیدگی در این باب مبادرت بصدور رأی کرده » نقض کرده - محکمه جنائی دیگر پس از رسیدگی چنین رأی داده « از مجموع تحقیقاتی که بعمل آمده آنچه مسلم است اینکه چون در شب ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۴ که متهم بمنزل عیال خود برای شب نشینی رفته بود و در آن اثناء عیال او برای آوردن آب خوراکی جهت شوهر از اطاق خارج شده بوده مقتول بقصد دست درازی و عمل بی ناموسی او با مشار الیهها کلایز شده بوده که بر اثر صدا و استمداد مشار الیهها شوهر

بموجب ماده ۱۸۳ قانون مجازات عمومی - طبیب

یا جراح یا قابله یا دوا فروش و اشخاصیکه بعنوان طبابت یا

میشوند مگر آنکه ثابت شود که این اقدام طبیب یا جراح یا قابله برای حفظ حیات مادر میباشد.

يك نفر پزشك با اتهام اقدام در سقط جنین زنی می کند بعنوان آنکه زن دارای چند مرض بوده که اگر اقدام در سقط جنین نکند در معرض مخاطره جانی واقع خواهد شد و در نتیجه منجر ب فوت او شده و با استناد ماده ۱۸۳ مورد تعقیب پار که واقع و محکمه جنائی پس از رسیدگی چنین رأی داده (چون دلیل کافی نیست که متهم در نتیجه دادن ادویه یا اقدام دیگری سبب فوت و سقط جنین شده باشد و با تصدیقی که طبیب دیگر داده و از مندرجات اوراق پرونده معلوم میشود که متوفی امراض دیگری هم داشته و بیرون آوردن جسم جنین متوفی جرم محسوب نیست متهم را نمیتوان در حدود ماده ۱۸۳ مجرم دانست و تبرئه میشود)

مدعی العموم استیناف از حکم مزبور تمیز خواسته -
شعبه (۲) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۲۱۵۴۹۷۸۰
بتاریخ ۱۶۹۳۰ چنین رأی داده است:
« قسمتی از اعتراضات مدعی العموم استیناف بر حکم
مميز عنه خدشه در دلائل استنادی محکمه میباشد که چون
نتیجه راجع ب ماهیت دعوی و ایراد بنظر محکمه حا که است

در کافی. داشتن ادله اتهام و اعتراض اصولی و قانونی محسوب
نمیشود قابل اعمال نظر تمیزی نیست و اعتراض دیگر مدعی -
العموم مزبور خلاصه آنکه (ماده ۱۸۳ قانون مجازات عمومی
راجع بسقط جنین اعم از این است که جنین مرده یا زنده
باشد و استدلال محکمه در تبرئه متهم باینکه بیرون آوردن
جسم جنین متوفی جرم محسوب نمیشود صحیح نبوده) بر
حکم مورد درخواست وارد نیست زیرا مقصود از ماده مزبوره
که میگوید (هرگاه طبیب یا ... وسایل سقط حمل را فراهم
آورد) سقط جنینی است که دارای زندگی و حیات شده
باشد یا اگر در مراحل اولیه از حمل است طبیعتاً قابلیت
حلول حیات را داشته باشد و بهر حال در این مورد با این
که محکمه حا که فوت و سقط جنین را مستند بمحمل متهم
ندانسته و مرده بودن آن در موقع بیرون آوردن از رحم
نیز در نظر محکمه محرز گردیده عمل مورد حکم همانطور
که محکمه تشخیص داده مشمول ماده مذکوره نبوده و عرفاً و
قانوناً سقط جنین بر آن اطلاق نمیشود و بالجمله چون بر
حکم مورد درخواست تمیز اشکال اصولی و قانونی مؤثر
نقض وارد نیست با اتفاق آراء ابرام میگردد»

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد رد عرض حال استینافی که در موعد اعتراض بر حکم غیابی داده شده

ابلاغ شده مورخ ۱۶۲۱۰ چون قبل از انقضاء مدت
اعتراض بوده قابل رد است و قرار رد آن صادر میگردد)
محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۴)
پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۲۴۱۴۱۳۸۱۳۸۱۳۸۱۳۸
بتاریخ ۱۶۹۲۵ چنین رأی داده است:
(بر تقدیر اینکه حکم مورد شکایت استینافی غیابی و
موعد اعتراض باقی بوده چون در موقع رسیدگی استینافی موعد
اعتراض بر حکم مزبور منقضی بوده و اعتراض هم بر آن
حکم نشده لذا مانعی برای رسیدگی وجود نداشته و قرار رد
عرض حال استینافی بموجب بشق ۳ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات
اصلاحی نقض میشود...)

کسی ب مدعی به يك سهم از یازده سهم مال منقول و غیر
منقول در محکمه بدایت اقامه دعوی میکند - محکمه رأی
به بیلحقی مدعی میدهد - محکوم علیه استیناف خواسته
محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده (نظر باین
که مدعی در جلسه اخیر محاکمه بدوی حاضر نبوده
و لایحه مورخ ۱۶۲۴۴ مشارالیه نیز حاکی از اسقاط
حضور نیست حضوری تلقی شدن حکم مستانف عنه از طرف
محکمه بدوی برخلاف قانون بوده و چون تشخیص غیابی و
حضور بودن حکم محکمه تالی بامحا کم بالانتر است بشرح
فوق حکم مستانف عنه غیابی تشخیص میگردد و عرض حال
استینافی تقدیمی در تاریخ ۱۳۱۶۲۱۹ نسبت به حکم

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد تبرئه متهم به ساختن سکه قلب

بتاریخ ۲۴/۹/۱۶۹۲۴ چنین رأی داده است :

[اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم محکمه جنائی خلاصه اینکه] [موردمشمول ماده ۹۳ قانون مجازات عمومی میباشد و حکم محکمه دائر به تبرئه متهم مخالف قانون صادر شده] [بر حکم مزبور وارد است زیرا محکمه جنائی باستناد این که سکه های موضوع اتهام طوری بوده که در نظر اول قلب بودن معلوم میشده و شباهت به سکه صحیح نداشته مورد راسممول ماده ۹۳ قانون مجازات ندانسته و باین جهت حکم تبرئه متهم را صادر کرده در صورتیکه مقصود از شبیه بودن سکه قلب بسکه اصل که در ماده مزبوره قید شده این است که سکه قلب طوری ساخته شود که قابل اشتباه کاری ولو در نظر بعضی اشخاص باشد و بر حسب عرف تقلید و شبیه سازی بر آن اطلاق شود و در این مورد بطوری که تحقیقات و اوراق پرونده دلالت دارد سکه های موضوع اتهام دارای همین کیفیت و بنحو مذکور شبیه بسکه صحیح ساخته شده و بنابراین بر فرض ثبوت ارتکاب عمل متهم جرم محسوب و حکم محکمه جنائی دائر به تبرئه او باستناد مذکور مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض میشود (...)

بموجب ماده ۹۳ قانون مجازات عمومی - هر کس شبیه مسکوک طلا یا نقره رایج را بسازد... محکوم بحبس با اعمال شاقه از سه تا پنج سال خواهد بود.

کسی با اتهام ساختن سکه قلب مورد تعقیب پار که بدایت واقع و در محکمه جنائی مورد رسیدگی واقع و پس از رسیدگی چنین رأی میدهد (چون مطابق محتویات پرونده سکه هائی که بالنتیجه زید متهم بدست آمده سکه هائی بوده که در نظر اول جلب نظر گیرنده را بر قلب بودن آن واضح می نموده چه آنکه در شب گیرنده سکه فوراً تشخیص داده که دو قرانی قلب بوده است و همچنین در موقع معاینه وجود قلبی مشاهده نموده اند که لب سکه ها بمثل اره و شبیه بمسکوک صحیح نبوده و از حیث اندازه و وزن هم متفاوت بوده است و ماده ۹۳ قانون مجازات عمومی صریح است که هرگاه کسی شبیه بسکه طلا و نقره ساخته و یا بخواهد رواج دهد و سکه های مورد ادعا چنانکه ذکر شد شباهتی با سکه های صحیح نداشته است و عمل متهم عمل لغوی بوده که مطابقه با مفاد ماده استنادیه نمینماید بنابراین متهم مزبور تبرئه میشود) مدعی العموم استیناف تمیز داده - شعبه (۲) دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۲۳۶/۱۰۲۳۶